

گفت‌وگوی «جوان» با مهدی فارسی، کارگردان مستند سینمایی «عبای سوخته»

کارنامه سیاسی شهید بهشتی را با صوت‌های منتشر نشده بازخوانی کردیم

گفت‌وگو
مصطفی‌شاه‌کردمی

مستند سیاسی - سینمایی «عبای سوخته» به کارگردانی مهدی فارسی و تهیه‌کنندگی ابیاد صالحیان اثری پژوهشی با محوریت شخصیت و فعالیت‌های سیاسی شهید آیت‌الله بهشتی است که بر دوره‌ای حساس از تاریخ معاصر ایران تمرکز دارد. این مستند بخشی از فضای پیچیده و چندلایه‌ای را ترسیم می‌کند که شهید بهشتی در آن نقش آفرینی کرده است. مستند سینمایی «عبای سوخته» با بازسازی و روایت دقیق روند مواجهه شهید بهشتی با جریان‌ها و چهره‌های سیاسی، از روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان شهادت ایشان، تلاش می‌کند تصویری روشن و قابل تحلیل از نقش برجسته این چهره تأثیرگذار در ساختار سیاسی کشور ارائه دهد. «جوان» به پهنانه پذیرفته شدن این مستند در بخش آوینی نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» با کارگردان آن گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

برای ورود به بحث در مورد چگونگی ارسال مستند سینمایی عباى سوخته به نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» صحبت کنید.

من خودم خیلی جشنواره را دنبال نمی‌کنم ولی وقتی فهرست فیلم‌هایی را که در بخش‌های مختلف آن حضور دارند، دیدم، متوجه شدم امسال جشنواره مترکمی از کارهای خوب داریم. یعنی خودتان انگیزه‌ای برای ارسال اثر به جشنواره نداشتید؟

چون از لحاظ زمانی جشنواره سینماحقیقت اولین جشنواره‌ای بود که بعد از اتمام کارهای مستند و آماده شدنش برگزار می‌شد و از طرفی هم بازه زمانی تولید آن خیلی طولانی شده بود(تقریباً حدود چهار سال) تهیه‌کننده مستند اصرار داشت آن را به جشنواره برسانیم و اینطوری شد که کار را به جشنواره فرستادیم، و گر نه به نظر من مستند هنوز ریزه کاری‌های زیادی دارد تا تکمیل شود.

نمایش مستند در جشنواره اولین اکران آن محسوب می‌شود؟

بله، همینطور است، کارهای تولیدی مستند عباى سوخته در ایام جشنواره به اتمام رسید.

چطور شده‌به فکر تولید این مستند افتادید و انگیزه تان برای رفتن سراغ این سوره خاص چه بود؟

من از ابتدا جزو تیم تولید نبودم و با یک فاصله‌ای به این کار اضافه شدم، در واقع آقای ابیاد صالحیان داشتند سریال این مستند را کار می‌کردند که یک مجموعه پنج قسمتی است. بحث این بود که مثلاً سریال آن به کارنامه سیاسی شهید بهشتی بپردازد و نسخه سینمایی هم بر شخصیت ایشان متمرکز شود. از طرفی مترای برای تولید نسخه سینمایی مستند خیلی محدود بود، نهایتاً جمع‌پندی ما این شد که برای نسخه سینمایی یک بخش‌هایی از همان کارنامه سیاسی را دوباره کار کنیم. در ست‌است که نسخه سینمایی مستند مشترکاتی با نسخه سریالی آن دارد اما چیزهایی هم به آن اضافه شده است. باید روی این نکته تأکید کنم که نگاه و حرف مستند قرار نیست به ابعاد شخصیتی شهید بهشتی بپردازد، به همین علت خیلی نگاهمان در کار شخصی نیست و بیشتر روی همان کارنامه سیاسی ایشان متمرکز شدیم. حالا این نسخه سینمایی فرازهای شنیدمشده‌ای از شهید بهشتی دارد که بخش‌هایی از آن حتی برای خود من هم تازگی داشت و جدید بود. من در مورد شهید بهشتی کارهای زیادی دیدم اما در این اثر چیزهایی

سعی کردیم از یک وجه متفاوت به موضوع نگاه کنیم که کمتر دیده و شنیده شده است، زندگی شهید بهشتی ابعاد مختلفی دارد؛ هم موارد شخصیتی و هم کارهایی که تقریباً پنج ماه قبل از انقلاب تا شهادتش انجام می‌دهد



داریم که به شرایط حال حاضر کشورمان خیلی پهلو می‌زند. همانطور که اشاره کردید مستندهای زیادی را جمع به شخصیت شهید بهشتی ساخته شده‌اند، با این توصیف وجه تمایز مستند عباى سوخته با دیگر آثار مشابه چیست؟

ما سعی کردیم کاری را تولید کنیم که محتوای آن برای مخاطب تازگی داشته باشد یا کمتر شنیده باشد یا اصلاً نشنیده باشد. این مستند در سه فصل تولید شده است: فصل اولش مربوط به دوران دولت موقت آقای مرحوم بازرگان، فصل دومش بحث اولین رئیس جمهور کشور آقای بنی‌صدر و فصل سومش هم به مجاهدین خلق یا همان منافقین پرداخته است. این رفت و برگشت‌هایی که بین این شخصیت‌ها و شهید بهشتی وجود داشته همانطور که قبلاً اشاره کردم، خیلی جالب و بکر است و من خودم تا قبل از این آنها را نشنیده بودم. یک فایل صوتی از خود شهید بهشتی هست که البته خیلی سخت پیدا شد. در ضمن این صحبت‌ها حرف‌هایی که نیست که مثلاً دانای کل یا راوی بخواهد آنها را بگوید و مستند لحن پیدا کند، اما چون خود شهید بهشتی صحبت می‌کند و نظر خودش را هم خیلی صریح بیان می‌کند، از این جهت اطلاعاتی به مخاطب می‌دهد که تازگی دارد یا مثلاً فرض کنید برای بخشی که مربوط به مجاهدین خلق یا همان منافقین می‌شود ما خیلی گشتم تا فایل یک منظره‌ای را که در دانشگاه شهید بهشتی به اسم دانشجو یا ایشان صحبت می‌کنند، به دست بیاوریم. در واقع آنها همه اعضا

یا سمیت‌های مجاهدین بودند که خیلی هم به شهید بهشتی می‌تازند، الان صوت این منظره در فیلم هست و شکل مواجهه ایشان بر خورد خیلی متفاوتی است، به خصوص صبر شهید بهشتی در برابر توهین‌هایی که از آنها می‌شود. سعی کردیم از یک وجه متفاوت به موضوع نگاه کنیم که کمتر دیده و شنیده شده است. زندگی شهید بهشتی ابعاد مختلفی دارد؛ هم موارد شخصیتی و هم کارهایی که تقریباً پنج ماه قبل از انقلاب تا شهادتش انجام می‌دهد.

برای تولید این مستند چه مقدار صوت و تصویر اولیه داشتید؟

این خیلی نکته مهمی است ما حدود ۲۲هزار فریم عکس جمع کردیم و بالای هزار ساعت تصویر. مشکل عمده این تپیم کارها که دوستان دیگری انجام داده‌اند این است که هیچ کدام شناسنامه‌دار نشده‌اند، خوانش نشده‌اند، به همین علت تا وقتی که این اطلاعات به کار اضافه نشود، مخاطب نمی‌فهمد تصاویر چه هستند یا اهمیت‌شان در چیست؟ درست است که در یک پرسوه خیلی طولانی مرتب شدند ولی به هر حال تلاش کردیم به اندازه بضاعت‌مان تصاویر را در جاهای درست خوش بیاوریم، با همه این توضیحات باید بگویم که ما پرتره شهید بهشتی را توانستیم کار کنیم، علت آن هم منابع است، یعنی به رغم اینکه این همه تصویر و عکس داشتم هیچ کدام مقاطع قبل از انقلاب را پوشش نمی‌داد. تولید این اثر از ابتدای کار تحقیق و پژوهش تا مراحل

پساتولید ققدر زمان برد؟



خیلی طولانی فکر می‌کنم سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ کار شروع شد اما من سال ۱۴۰۱ به گره ملحق شدم. پرسوه تولید بسیار کند جلوفت و نهایتاً امسال کار تولید آن به اتمام رسید.

در کشورمان دسترسی به منابع آرشیوی برای تولید مستندهای سیاسی معمولاً با سختگیری و کاغذبازی‌های طولانی همراه است، به خصوص وقتی سوره مستند شخصیت خاصی مانند شهید بهشتی باشد، شما برای دسترسی به منابع آرشیوی با چنین مشکلاتی هم مواجه شدید؟

همانطور که خودتان اشاره کردید، حساسیت‌های خاصی در این زمینه وجود دارد اما گاهی پشت سر گذاشتن این موانع خیلی طولانی نتیجه‌ای مثل تخم‌مرغ شاشنی دارد! یعنی بعضی وقت‌ها برای به دست آوردن اسناد زحمت زیادی می‌کشید اما نهایتاً آن آورده یا سند مورد نظر چیز از زشمندی که به کار شما بیاید نیست، مانند همین صوت‌های شهید بهشتی. فکر می‌کنم چیزی حدود ۵۰۰ساعت یا شاید هم بیشتر صوت از شهید بهشتی جمع‌آوری کردیم و اولین چیزی که برای خود من خیلی عجیب بود، این بود که مثلاً چرا اینها را قبلاً من نشنیدم؟! یعنی در بین این همه فیلمی که درباره شهید بهشتی کار شده واقعاً ارزش این را نداشته است که مستندساز وقت بگذارد و این صوت‌ها را گوش کند و ببیند که ایشان چه گفته است؟! معمولاً از شهید بهشتی بیشترین چیزی که شنیده‌ایم، اغلب چیزهای اخلاقی و خیلی کلی در مورد مسائل

اجتماعی بوده ولی اینکه اینقدر ملموس مسائل را مطرح کنند تا پیش از این سابقه نداشته است.

این صوت و تصویر و اسنادی که در مستند استفاده کرده‌اید از آرشیو کدام دستگاه‌ها جمع‌آوری شده‌اند؟

خیلی متفاوت و واقعاً پراکنده بودند، یعنی از شبکه‌های مختلف تلویزیون تا آرشیو مرکزی مرکز اسناد و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مجموعه بنیاد شهید بهشتی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و حتی آرشیو شخصی افراد. آن چیزی هم که در این کار خیلی از ما وقت گرفت، واقعاً مسائل فنی و هنری و این چیزها نبود، مشخصاً پژوهش بود، ضمن اینکه بحث‌های زیادی وجود دارد که هنوز هم بر سرش دعواس، برای عبور از این مشکل ما به این رسیدیم که آن جاهایی که محل دعوا هستند، صوت خود شهید بهشتی را بگذاریم. مثلاً در بحث مذاکره با امریکا صدای ایشان هست و نظرشان را خیلی شفاف بیان می‌کنند، یعنی آن مباحث چالشی و مناقشه‌برانگیزی را که راجع به شهید بهشتی وجود دارد، با صوت خود ایشان پاسخ دادیم. ما در بیان حقایق مسلم انقلاب واقعاً فقیر هستیم، گاهی این موضوع به دلیل فقر سندی نیست بلکه به خاطر فقر اراده است.

در طول مسیر تولید مشکلی هم برای تان ایجاد شد؟
نه، اصلاً، ما به تعبیر آقای محمدرضا ابوالحسنی، نویسنده مستند سعی کردیم افراد را در زمان حال خودشان نشان دهیم، یعنی این تجربیات نکاتی مثبت دارد اما یک جاهایی هم قابل نقد هستند، ما سعی کردیم در این کار سینمایی یک بخش کوچکی از کارنامه سیاسی آقای بهشتی را به تصویر بکشیم، نکته جالب این است که خیلی جاها موضوعات و مسائل با روزگار فعلی‌مان مطابقت دارد و بعضی مسائل و نکات با اتفاقات امروز منطبق هستند.

موسیقی‌ای که در مستند استفاده کردید تولیدی بود؟

موسیقی انتخابی بود، در واقع ما از نسخه اولیه کاری که آقای انصاری برای نسخه سریالی تولید کردند، استفاده کردیم و تا آنجا که توانستیم سعی کردیم همان رنگ‌بندی، همان فضا و همان شکل خوانش تصویر را انجام دهیم تا کار به لحاظ فرمی دو پاره نشود.

نقطه قوت و اوج این اثر را در چه چیزی می‌دانید؟
شاید نقطه قوت اصلی این مستند صوت‌های شهید بهشتی باشند، چون حداقل من نشنیدم که ایشان مستقیم درباره وقایع صحبت کند و از شخصیت‌هایی اسم برد و حتی آنها را نقد هم کند. **چه تفاوتی بین نسخه سریالی و سینمایی این مستند وجود دارد؟**

کارهای تولیدی نسخه سریالی این مستند هم تقریباً تمام شده است، منتها با این منابع جدید و این تجربه‌ای که روی نسخه بلندش به دست آوردیم، احتمالاً دوستان آنجا هم یک تغییراتی را اعمال می‌کنند و فکر می‌کنم مثلاً دو یا سه ماه دیگر نسخه سریالی آن منتشر شود.

فرم روایی مستند چگونه است؟

همان شکل متعارف مستندهای سیاسی، حالا برای خود من که اولین تجربه بود و تا الان کار سیاسی به این شکل نکرده بودم، به همان شکل متعارف‌ش، یکسری شخصیت در کنار تعدادی مصاحبه، آقای فرهاد قائمیان هم روی آن است که اضافه‌صداش خیلی روی کار نشسته است، البته این اتفاق با اصرار تهیه‌کننده مستند آقای صالحیان صورت گرفت و اقسای قائمیان هم قبول کردند و رفتیم ضبط کردیم.

در گرامیداشت مرحوم جعفر والی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون مطرح شد

از آتش کودتای امریکایی بر دامان تئاتر ایران تا بی‌مهری به پدر تئاتر مدرن

گزارش
مرتضی قاضی‌نیا

مستند قابل تقدیر است، این انتخاب‌ها توانسته است جذابیت بصری مناسبی برای مخاطب ایجاد و به نوعی به روایت تاریخی شخصیت مورد نظر کمک کند.

وی بیان کرد: با وجود این بخش سینمایی اثر بسیار کمرنگ است و کارگردان توانسته است به اندازه کافی به دوره‌های سینمایی جعفر والی بپردازد. پیشنهاد می‌کنم یک منتقد سینما برای مرور کارنامه سینمایی والی و نقش‌های مهم او در این حوزه، حضور داشته باشد و از سخنان و نظرات بهره‌مند شویم.

طوسی افزود: در بخش پایانی فیلم، کارگردان با استفاده از یک پایان‌بندی سینمایی هوشمندانه، ساختار مستندهای پرتره از شخصیت‌های در تاناکا و تصویر جعفر والی در حال مرتبه‌خوانی را نشان می‌دهد، حس نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایی را در مخاطب برمی‌انگیزد و به نوعی میراث فرهنگی و انسانی والی را به یاد می‌آورد. این پایان‌بندی، با موسیقی مرثیه و تصویر سیاه و سفید، حس تأمل و احترام عمیق نسبت به شخصیت مورد نظر را تقویت می‌کند.

در پایان این نشست فیلم مستند «آی بی‌کلاه، والی» به کارگردانی تهیه‌کنندگی سارا عابدی به نمایش گذاشته شد. این مستند، پرتره جعفر والی یکی از میراث‌داران تئاتر و پیشگام تئاتر ملی است. این پروژه به همراه کتاب پژوهشی «آی بی‌کلاه، والی» است که از سوی نشر وزان به مدیریت فرزاد فروموشی، تولید شده است.

جعفر والی بازیگر، کارگردان تئاتر و فیلم‌نامه‌نویس نخستین بار سال ۱۳۴۸ را ۳۶سالگی در سینما حضور یافت و در فیلم «لوه» به کارگردانی داریوش مهرجویی نقش آفرینی کرد، گرچه موفقیت این اثر نسبت به آثار شاخص بعدی‌اش مانند سریال «هزار داستان» به کارگردانی علی حاتمی بیشتر نبود، اما تجربه خوبی برای والی محسوب می‌شود و همکاری با هنرمندانی همچون عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی و پرویز فنی‌زاده را تجربه کرد.

والی در فیلم‌هایی همچون «بهار در پاییز» به کارگردانی مهدی فخیزاده، «خادیا خورشید» به کارگردانی ناصر تقوایی و «بازیگران» به کارگردانی رسول صدراعظمی نقش آفرینی کرده است. فیلم «تا غروب» مهم‌ترین اثر والی در حرفه کارگردان است. این هنرمند سال ۱۳۹۵ به علت بیماری ربوی درگذشت و پیکر وی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد.



بی‌مهری به پدر تئاتر مدرن

جواد طوسی، نویسنده و منتقد سینما نیز در این نشست با اشاره به اهمیت و نقش شخصیت‌های فرهنگی و هنری افزود: در فضای کنونی جامعه، به دلیل بحران اقتصادی، تحریم‌ها و رکود فرهنگی، حضور مراکز فرهنگی مانند شب بخارا محدودتر شده است و این محدودیت‌ها می‌تواند انگیزه و روحیه هنرمندان را تضعیف کند. وی با اشاره به نقش و جایگاه جعفر والی به عنوان پدر تئاتر مدرن بیان کرد: سیاستگذاران فرهنگی باید کارنامه ارزشند والی در حوزه‌های تئاتر، سینما و تلویزیون را از زبانی و قدرانی می‌کردند اما متأسفانه این اتفاق نیفتاده است، این بی‌توجهی به محدود شدن فعالیت‌های والی منجر شده، در حالی که او توانایی ایفای نقش‌های متنوع و تأثیرگذار را داشت.

این منتقد با مقایسه سینمای ایران با سینمای امریکا اظهار کرد: در امریکا بازیگران پس از طی مراحل مختلف، در قالب مکتب‌های